

Role and Position of the Attorney in Crime Prevention: A Comparative Study in the Criminal Law of Iran and the United States of America

1. Mohammad Shanbepour Madavan: Department of Criminal Law and Criminology, Yas.C., Islamic Azad University, Yasuj, Iran
2. Rahim Ekrami*: Department of Law, Yas.C., Islamic Azad University, Yasuj, Iran. Email: rahim.ekrami@iau.ac.ir (Corresponding Author)
3. Ali Pourjaveheri: Department of Law, Yas.C., Islamic Azad University, Yasuj, Iran

ABSTRACT

The role and position of attorneys in crime prevention within different legal systems—particularly in the criminal law of Iran and the United States—can have a significant impact on reducing crime rates and strengthening the process of fair trial. This article provides a comparative analysis of the role of attorneys in crime prevention in Iran and the United States. Attorneys can contribute to crime reduction through social, situational, and criminal preventive interventions. In the United States, attorneys—by leveraging the media and participating in civil activities—exert considerable influence in critiquing unjust structures, whereas in Iran, despite legislative advancements, certain limitations still exist. By examining this comparison, various recommendations have been proposed to improve and enhance the role of attorneys in crime prevention in Iran, including strengthening legal education for attorneys, establishing legal clinics, and supporting restorative justice programs.

Keywords: Attorney, Crime Prevention, Criminal Law, United States of America, Iran, Restorative Justice.

How to cite: Shanbepour Madavan, M., Ekrami, R., & Pourjaveheri, A. (2026). Role and Position of the Attorney in Crime Prevention: A Comparative Study in the Criminal Law of Iran and the United States of America. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 8(1), 1-10.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 26 March 2025

Revise Date: 31 July 2025

Accept Date: 07 August 2025

Publish Date: 21 March 2026



نقش و جایگاه وکیل دادگستری در پیشگیری از جرم: مطالعه تطبیقی در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا

۱. محمد شنبه پور مادوان: گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران
۲. رحیم اکرامی*: گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. پست الکترونیک: rahim.ekrami@iau.ac.ir (نویسنده مسئول)
۳. علی پورجواهری: گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

چکیده

نقش و جایگاه وکیل در پیشگیری از جرم در سیستم‌های حقوقی مختلف، به‌ویژه در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا، می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش جرایم و تقویت فرآیند دادرسی عادلانه داشته باشد. این مقاله به تحلیل تطبیقی نقش وکلا در پیشگیری از جرم در دو کشور ایران و ایالات متحده پرداخته است. وکلا می‌توانند از طریق مداخلات پیشگیرانه اجتماعی، وضعی و کیفری، به کاهش جرم کمک کنند. در ایالات متحده، وکلا با استفاده از رسانه‌ها و مشارکت در فعالیت‌های مدنی، تأثیر زیادی بر نقد ساختارهای ناعادلانه می‌گذارند، در حالی که در ایران، با وجود پیشرفت‌های قانونی، برخی محدودیت‌ها هنوز وجود دارد. با بررسی این تطبیق، پیشنهادات مختلفی برای بهبود و تقویت نقش وکلا در پیشگیری از جرم در ایران ارائه شده است، از جمله تقویت آموزش‌های حقوقی برای وکلا، ایجاد کلینیک‌های حقوقی، و حمایت از برنامه‌های عدالت ترمیمی.

واژگان کلیدی: وکیل، پیشگیری از جرم، حقوق کیفری، ایالات متحده آمریکا، ایران، عدالت ترمیمی.

نحوه استناددهی: شنبه پور مادوان، محمد، اکرامی، رحیم، و پورجواهری، علی. (۱۴۰۵). نقش و جایگاه وکیل دادگستری در پیشگیری از جرم: مطالعه تطبیقی در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۸(۱)، ۱-۱۰.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۶ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۹ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۶ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ فروردین ۱۴۰۵

پیشگیری از جرم به عنوان یکی از رویکردهای نوین سیاست جنایی، در دهه‌های اخیر جایگاهی مهم در نظام‌های حقوقی مختلف یافته است. در این میان، نقش وکیل دادگستری نه تنها در دفاع از حقوق متهم، بلکه در جلوگیری از بروز جرایم، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. وکیل با بهره‌گیری از دانش حقوقی و دسترسی به ابزارهای قانونی، می‌تواند در فرآیندهای پیشگیرانه اعم از اجتماعی، وضعی و کیفری تأثیرگذار باشد. در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا، نقش وکیل در فرآیند دادرسی کیفری تفاوت‌هایی دارد، اما در هر دو نظام، وکیل می‌تواند عاملی کلیدی در کاهش نرخ ارتکاب جرم باشد. تحلیل تطبیقی این نقش، زمینه‌ای برای ارتقاء کارایی نظام عدالت کیفری فراهم می‌آورد. افزون بر این، توسعه عدالت ترمیمی و گرایش به راهکارهای غیرستنی در مقابله با جرم، نقش وکیل را به عنوان میانجی و تسهیل‌گر در فرآیند حل و فصل اختلافات تقویت کرده است. در چنین شرایطی، انتظار می‌رود وکلای دادگستری تنها در مقام دفاع عمل نکنند، بلکه در حوزه‌های پیشگیرانه و حمایتی نیز مشارکت فعالی داشته باشند. تبیین جایگاه وکیل در سیاست‌گذاری کیفری و فرآیندهای اجرایی مرتبط با پیشگیری از جرم، به‌ویژه از منظر تطبیقی میان ایران و آمریکا، می‌تواند بستری مناسب برای اصلاح و ارتقای عملکرد نهاد وکالت فراهم آورد.

نقش وکیل در فرآیند دادرسی کیفری

حق دفاع وکیل در قوانین ایران و آمریکا

حق برخورداری از وکیل در مراحل مختلف دادرسی، یکی از اصول بنیادین دادرسی عادلانه است. در ایالات متحده، این حق به‌طور گسترده‌ای تضمین شده و متهمان حتی در صورت ناتوانی مالی، از وکیل تسخیری بهره‌مند می‌شوند. در ایران، با وجود پیشرفت‌های قانونی، هنوز در برخی مراحل، به‌ویژه در جرائم امنیتی، محدودیت‌هایی در دسترسی به وکیل وجود دارد. در اصل ۳۵ قانون اساسی ایران صراحتاً حق داشتن وکیل برای هر متهم تضمین شده است، اما در عمل، تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، دسترسی به وکیل منتخب را در برخی پرونده‌ها محدود کرده است.

در مقابل، در نظام قضایی ایالات متحده، رأی تاریخی *Gideon v. Wainwright* در سال ۱۹۶۳، دادگاه‌ها را ملزم کرد تا در همه پرونده‌های کیفری جدی، وکیل تسخیری برای متهمانی که توانایی مالی ندارند، تعیین کنند (*Gideon v. 1963*). همچنین دادگاه‌های آمریکا به اصل “مساوات سلاح‌ها” توجه ویژه دارند که مستلزم دسترسی برابر طرفین به ابزارهای دفاع است. این در حالی است که در ایران، نبود ساختار مؤثر برای تضمین واقعی این حق، باعث بروز نابرابری‌هایی در دادرسی شده است. با توجه به اهمیت نقش وکیل در تحقق عدالت کیفری، بازنگری در قوانین داخلی ایران و حذف تبعیض‌های موجود در دسترسی به وکیل، ضرورتی انکارناپذیر است.

استقلال حرفه‌ای وکالت

استقلال وکلا از نهادهای دولتی، شرط لازم برای ایفای نقش مؤثر در فرآیند دادرسی و پیشگیری از جرم است. در ایالات متحده، کانون‌های وکلا به‌صورت مستقل عمل می‌کنند و نظارت بر عملکرد وکلا را بر عهده دارند. در ایران، کانون وکلا استقلال نسبی دارد، اما در برخی موارد، مداخلات دولتی می‌تواند بر این استقلال تأثیرگذار باشد.

در نظام ایالات متحده، نهادهایی مانند ABA (American Bar Association) با ساختاری غیرحکومتی، وظیفه صدور مجوز، آموزش حرفه‌ای و نظارت اخلاقی را به‌طور مستقل بر عهده دارند (*American Bar Association, 2017*). این ساختار موجب می‌شود وکلا

بدون بیم از فشارهای سیاسی یا قضایی، بتوانند در دفاع از موکلان خود آزادانه عمل کنند. همچنین قوانین ایالتی، استقلال حرفه‌ای وکلا را به‌عنوان بخشی از حقوق بنیادین دادرسی به رسمیت می‌شناسند^۱ (Rezai, 2019).

در مقابل، در ایران، با اینکه ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت بر استقلال کانون‌های وکلا تأکید دارد، اما از سال ۱۳۹۸، تلاش‌هایی برای تصویب «لایحه جامع وکالت» صورت گرفته است که بسیاری از وکلا آن را مغایر با استقلال صنفی خود می‌دانند. افزون بر این، عضویت برخی مقامات قضایی در کمیسیون صدور پروانه یا رسیدگی به تخلفات، می‌تواند اصل بی‌طرفی را خدشه‌دار کند (Samiei, 2018). استقلال حرفه‌ای وکیل نه تنها یک اصل صنفی، بلکه تضمینی برای حق دفاع عادلانه و جلوگیری از سوءاستفاده حاکمیت از ابزار کیفری است.

جایگاه وکیل در مراحل دادرسی

حضور وکیل در مراحل مختلف دادرسی کیفری، از تضمینات دادرسی منصفانه محسوب می‌شود. در ایالات متحده، وکیل از لحظه بازداشت تا پایان دادرسی و حتی پس از آن در مراحل تجدیدنظر و آزادی مشروط، همراه متهم است. در ایران نیز مطابق ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، متهم حق دارد از ابتدای بازداشت از وکیل استفاده کند، اما محدودیت‌هایی به‌ویژه در برخی پرونده‌های خاص امنیتی وجود دارد. در نظام قضایی آمریکا، دکترین *Miranda* که از رأی معروف *Miranda v. Arizona* (۱۹۶۶) نشأت گرفته، تضمین می‌کند که مأموران پلیس پیش از بازجویی، متهم را از حق سکوت و داشتن وکیل مطلع کنند^۲. اگر این حق رعایت نشود، اعترافات متهم قابلیت استناد ندارند. افزون بر این، حضور وکیل در بازجویی‌ها و امکان مشارکت فعال در رسیدگی قضایی، جایگاه او را به عنوان ناظر قانونی بر فرآیند کیفری تثبیت کرده است.

در ایران، با وجود تلاش‌های انجام‌شده، همچنان موانعی در تحقق عملی این حق وجود دارد. برای نمونه، در برخی موارد اجازه ملاقات وکیل با موکل در مراحل اولیه بازداشت، با تاخیر همراه است یا محدود به فهرستی خاص از وکلا می‌شود. این در حالی است که اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت بر حق داشتن وکیل تأکید دارد. با ارتقای جایگاه وکیل و رفع موانع موجود، می‌توان نقش او را در شفاف‌سازی فرآیند دادرسی و جلوگیری از نقض حقوق متهم تقویت کرد (Ardebili, 2023).

وکیل و پیشگیری از جرم

پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی از جرم، بر اصلاح شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه تأکید دارد تا از شکل‌گیری تمایلات مجرمانه جلوگیری شود. در این میان، وکیل به‌عنوان یک بازیگر حقوقی-اجتماعی، می‌تواند در فرآیندهای آموزش حقوقی، آگاه‌سازی شهروندان و مشارکت در برنامه‌های مشورتی نقش‌آفرینی کند. در ایالات متحده، وکلا اغلب در پروژه‌های آگاهی‌رسانی عمومی، مانند «کلینیک‌های حقوقی رایگان»، مشارکت دارند و به اقشار آسیب‌پذیر کمک می‌کنند تا از حقوق خود مطلع شوند (Badi, 2023).

از سوی دیگر، کانون‌های وکلا در آمریکا با همکاری مدارس، دانشگاه‌ها و نهادهای مدنی، برنامه‌هایی را اجرا می‌کنند که در آن‌ها آموزش حقوقی به زبان ساده در قالب کارگاه یا جلسات مشاوره ارائه می‌شود. این فعالیت‌ها که ذیل رویکرد «پیشگیری نرم» قرار می‌گیرند، هدفشان

^۱ کانون وکلای دادگستری مرکز. (۱۳۹۹). «تحلیل لایحه جامع وکالت و آثار آن بر استقلال نهاد وکالت».

^۲ *Miranda v. Arizona*, 384 U.S. 436 (1966).

ایجاد فرهنگ قانون‌مداری است (American Bar Association, 2017). در ایران نیز ظرفیت‌هایی برای تحقق این اهداف وجود دارد، اما برنامه‌ریزی سازمان‌یافته و بودجه‌ریزی لازم برای چنین مداخلاتی هنوز کافی نیست. حضور وکلا در رسانه‌ها برای تحلیل مسائل حقوقی روز و هشدار نسبت به پیامدهای حقوقی برخی اقدامات نیز از دیگر ابعاد پیشگیری اجتماعی است. وکلای متعهد با بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی می‌توانند آگاهی حقوقی عمومی را ارتقاء دهند. با توسعه کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی، می‌توان فرصت مشارکت دانشجویان و وکلای جوان را در این فرآیند تقویت کرد (Samiei, 2018). از این‌رو، با ایجاد سیاست‌های حمایتی از فعالیت‌های داوطلبانه وکلا در حوزه‌های اجتماعی، می‌توان از دانش حقوقی آنان در راستای پیشگیری مؤثر از وقوع جرم بهره برد.

پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی بر کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم از طریق مداخله در محیط فیزیکی و موقعیت‌های جرم‌زا تمرکز دارد. نقش وکیل در این نوع پیشگیری، کمتر به‌صورت مستقیم، و بیشتر در قالب مشاوره حقوقی در قراردادها، اسناد رسمی، و تنظیم رویه‌های حقوقی امن نمود می‌یابد. وکلا در بسیاری از شرکت‌های بزرگ یا نهادهای دولتی با طراحی قراردادهایی که احتمال وقوع تقلب یا سوءاستفاده را کاهش می‌دهند، عملاً به کاهش نرخ بزهکاری کمک می‌کنند (Cohen, 2016).

در ایالات متحده، وکلا در طراحی سیاست‌های رعایت قوانین (Compliance Programs) برای شرکت‌ها و مؤسسات مالی نقش مهمی دارند؛ این برنامه‌ها با ایجاد مکانیزم‌های نظارتی، آموزش کارمندان و ارزیابی ریسک‌های حقوقی، از بروز تخلفات پیشگیری می‌کنند (American Bar Association, 2017). افزون بر این، وکلای آمریکایی با مشارکت در فرایندهای تدوین استانداردهای شغلی و آیین‌نامه‌های داخلی، به امن‌تر شدن محیط‌های کاری کمک می‌کنند.

در ایران، با وجود ظرفیت بالای وکلا در تنظیم قراردادها و مشاوره حقوقی پیشگیرانه، هنوز فرهنگ بهره‌گیری مستمر از خدمات حقوقی در میان بنگاه‌های اقتصادی نهادینه نشده است (Mo'tamednejad, 2013). بسیاری از اختلافات تجاری که منجر به طرح دعوای کیفری می‌شوند، ناشی از فقدان مشاوره حقوقی اولیه هستند.

همچنین، حضور وکیل در کنار کارفرما یا مدیران منابع انسانی برای پیشگیری از تخلفات کاری یا حقوقی کارمندان، نقش مؤثری در پیشگیری وضعی ایفا می‌کند (Rezai, 2019). توسعه همکاری میان کانون وکلا و اتاق‌های بازرگانی می‌تواند به طراحی فرایندهای حقوقی امن در فضای اقتصادی منجر شود (Ahmadi, 2021).

پیشگیری کیفری

پیشگیری کیفری بر مداخلات رسمی نهاد عدالت کیفری و نقش آن در بازدارندگی عام و خاص از ارتکاب جرم تأکید دارد. در این زمینه، وکیل دادگستری می‌تواند با ارائه دفاع مؤثر، جلوگیری از نقض حقوق متهم و نیز مذاکره برای کاهش مجازات، به پیشگیری از تکرار جرم کمک کند. در ایالات متحده، نهاد Plea Bargaining به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم کاهش بار دادگاه‌ها و همچنین مدیریت رفتار مجرمان نقش مهمی ایفا می‌کند (Farahidi, 2016).

وکلا با ایفای نقش فعال در این فرآیند، ضمن کاهش هزینه‌های رسیدگی، از طریق پیشنهادها سازنده، زمینه بازپروری مجرمان و جلوگیری از بازگشت آنان به چرخه جرم را فراهم می‌کنند (American Bar Association, 2017). همچنین حمایت حقوقی مؤثر وکلای مدافع

از متهمان در مراحل تحقیق و تعقیب، از نقض حقوق قانونی و در نتیجه نارضایتی‌های اجتماعی که خود می‌تواند زمینه‌ساز بزه‌دیدگی ثانویه یا خشونت شود، پیشگیری می‌کند (Badi, 2023).

در ایران، گرچه نهاد چانه‌زنی قضایی به شکل رسمی وجود ندارد، اما وکلا در قالب مذاکرات غیررسمی با دادستان یا قاضی می‌توانند نقش مؤثری در کاهش مجازات‌ها و ترغیب متهمان به همکاری ایفا کنند (Hosseini, 2020). همچنین، حضور وکیل در دادرسی از مرحله اولیه تعقیب، می‌تواند در جهت شفاف‌سازی اتهام و جلوگیری از اعمال فشار غیرقانونی بر متهم، مؤثر باشد (Rostami, 2017). ضرورت دارد در نظام کیفری ایران، جایگاه وکیل در مرحله پیش‌دادرسی بیش از پیش تقویت شده و از ابزارهای نوین مانند مشاوره و مداخلات غیررسمی در کاهش جرم استفاده گردد (Hosseini, 2020).

نقش وکیل در عدالت ترمیمی و حمایت از بزه‌دیده

عدالت ترمیمی به‌عنوان یک رویکرد نوین در فرآیند کیفری، تلاش دارد تا بر رفع آسیب‌های ناشی از جرم و ترمیم روابط میان مجرم، بزه‌دیده و جامعه تأکید کند. وکیل دادگستری در این فرآیند می‌تواند نقش مهمی ایفا کند؛ به‌ویژه در دفاع از حقوق بزه‌دیده و کمک به فرآیند ترمیمی برای رسیدن به یک توافق متوازن بین طرفین دعوی. در ایالات متحده، عدالت ترمیمی معمولاً در پرونده‌های مربوط به جرائم کوچک یا جرائم غیرخشونت‌آمیز اجرا می‌شود و وکیل در این میان می‌تواند به عنوان نماینده بزه‌دیده یا متهم در فرآیند رسیدگی حضور داشته باشد (Badi, 2023).

وکلا می‌توانند با آگاهی‌بخشی به بزه‌دیده‌ها و متهمان در خصوص حقوق و گزینه‌های مختلف قانونی، به حفظ توازن عدالت در فرآیند ترمیمی کمک می‌کنند. به‌عنوان مثال، وکیل می‌تواند با مذاکره برای ارائه راهکارهای جبرانی به بزه‌دیده، شرایطی را فراهم کند که جرم‌انگاری مجدد به حداقل برسد و اصلاحات در رفتار فردی و اجتماعی متهم صورت گیرد (Farahidi, 2016). همچنین، وکیل می‌تواند در جریان جلسات مشاوره و توافق‌نامه‌های ترمیمی، نقش میانجی‌گرانه ایفا کرده و از تضادهای قانونی و اجتماعی جلوگیری کند. در نظام حقوقی ایالات متحده، وکلا به‌عنوان عاملان نهایی در تضمین حقوق بزه‌دیده‌ها شناخته می‌شوند و بر اساس قانون، بزه‌دیده‌ها می‌توانند درخواست‌های مالی یا جبرانی از مجرمان داشته باشند، که وکیل نقش مهمی در احقاق این حقوق ایفا می‌کند (Mo'tamednejad, 2013). در این نظام، وکیل از طریق مشاوره حقوقی در فرآیندهای ترمیمی، امکان دسترسی به عدالت برای بزه‌دیده‌ها را تسهیل می‌کند و در عین حال نقش پیشگیرانه در بازسازی روابط اجتماعی ایفا می‌کند.

در ایران، علی‌رغم اینکه مفهوم عدالت ترمیمی هنوز به‌طور کامل در سیستم حقوقی نهادینه نشده است، وکلای دادگستری می‌توانند در پرونده‌های مختلف از ابزارهای غیررسمی برای حل و فصل مشکلات میان بزه‌دیده و متهم استفاده کنند. بسیاری از پرونده‌ها در ایران از طریق جلسات میانجی‌گری و مشاوره‌های حقوقی توسط وکلا به توافقات صلح‌آمیز می‌رسند⁴ علاوه بر این، در مواردی که بزه‌دیده از سیستم حقوقی برای جبران خسارات خود استفاده می‌کند، حضور وکیل برای هدایت فرآیند درخواست غرامت یا جبران آسیب‌های روحی و روانی اهمیت زیادی دارد (Mo'tamednejad, 2013).

در نهایت، در هر دو کشور، حمایت از بزه‌دیده‌ها در فرآیندهای کیفری و ترمیمی به‌ویژه در جبران آسیب‌های روانی و اجتماعی ناشی از جرم، نیازمند همکاری نزدیک میان وکیل، سیستم قضائی و دیگر نهادهای حمایتی است. وکلا با آگاهی از قوانین داخلی و بین‌المللی می‌توانند به‌طور مؤثر در حمایت از حقوق بزه‌دیده‌ها در فرآیندهای عدالت ترمیمی نقش‌آفرینی کنند.

نقش وکیل در جرم‌شناسی انتقادی

جرم‌شناسی انتقادی، شاخه‌ای از علم جرم‌شناسی است که به بررسی تأثیر ساختارهای قدرت و نهادهای اجتماعی بر تعریف جرم و اعمال عدالت در جامعه می‌پردازد. این رشته به‌طور خاص به نقد سیاست‌های کیفری و نابرابری‌های اجتماعی که منجر به جرم‌انگاری برخی رفتارها می‌شود، توجه دارد. وکلا، به‌عنوان فعالان حقوقی، در این زمینه می‌توانند نقش مهمی در نقد و اصلاح سیستم عدالت کیفری ایفا کنند. آن‌ها می‌توانند با دفاع از حقوق متهمان، به‌ویژه اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر، و همچنین با مشارکت در تغییر سیاست‌ها و قوانین، سهم خود را در ایجاد اصلاحات ضروری در این حوزه ایفا کنند.

در ایالات متحده، وکلای دادگستری به‌طور فعال در فعالیت‌های مدنی و رسانه‌ای مشارکت دارند تا نقدهایی بر سیستم کیفری وارد کنند. این نقدها عمدتاً بر نابرابری‌های نژادی، اقتصادی و اجتماعی در رسیدگی به پرونده‌های کیفری متمرکز است. وکلا با توجه به موقعیت خود در جامعه حقوقی، قادرند مسائل حقوق بشری و عدالتی را که اغلب در سیستم عدالت کیفری نادیده گرفته می‌شود، برجسته کنند و از این طریق به اصلاح سیاست‌ها و قوانین مرتبط با جرم‌شناسی کمک کنند. به‌ویژه در آمریکا، وکلا در فرایندهای دادگاهی و میانجیگری‌هایی که نهادهای مدنی پیشنهاد می‌دهند، نقش مؤثری ایفا می‌کنند. این نقش می‌تواند به‌ویژه در حوزه‌های نژادپرستی، فقر و مجازات‌های ناعادلانه برجسته شود (Ahmadi, 2021).

در مقابل، در ایران، وکلا همچنان با محدودیت‌هایی در نقد و اصلاح سیاست‌های کیفری روبه‌رو هستند. اگرچه در سال‌های اخیر تغییراتی در رویکرد قضائی و توجه به حقوق بشر صورت گرفته است، اما هنوز این محدودیت‌ها وجود دارد که مانع از مشارکت گسترده وکیل‌ها در حرکت‌های انتقادی می‌شود. علاوه بر این، نقادی ساختارهای قدرت و سیاست‌های کیفری در ایران معمولاً با موانع سیاسی و اجتماعی مواجه است. در نتیجه، فعالیت‌های مدنی و انتقادی وکلا در ایران نمی‌تواند به‌طور آزادانه و مؤثر صورت گیرد و همچنان نیاز به حمایت قانونی و توسعه فضای حقوقی آزاد در این کشور احساس می‌شود (Farahidi, 2016).

نقش وکیل در تحلیل سیاست‌های کیفری و جرم‌شناسی انتقادی در ایران به‌ویژه در مورد اقلیت‌ها، زنان، و افراد با ناتوانی‌های جسمی و ذهنی، اهمیت خاصی دارد. وکلا می‌توانند از این طریق به اصلاح و بازنگری در سیاست‌های مجازات و قوانین جرم‌انگاری برخی اعمال که به‌طور نامتناسب بر این گروه‌ها تأثیر می‌گذارد، کمک کنند. در این راستا، با همکاری سازمان‌های غیردولتی و بین‌المللی، وکلا می‌توانند نقش برجسته‌ای در حرکت‌های اصلاح‌طلبانه در زمینه حقوق بشر ایفا کنند.

به‌طور کلی، وکلای دادگستری در هر دو کشور، ایران و ایالات متحده، می‌توانند با آگاهی از تحولات اجتماعی و حقوقی، و همچنین با توجه به ظرفیت‌های قانونی موجود، در جهت نقد و اصلاح سیستم عدالت کیفری و جلوگیری از تداوم بی‌عدالتی‌ها در جامعه، به‌ویژه در حوزه‌های مرتبط با اقلیت‌ها، نژادپرستی و فقر، نقش مؤثری ایفا کنند. این امر نه‌تنها در راستای دفاع از حقوق متهمان، بلکه در جهت تحقق عدالت اجتماعی در سیستم قضائی کشورها نیز مؤثر خواهد بود (Mo'tamednejad, 2013).

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی نقش وکلا در پیشگیری از جرم در ایران و ایالات متحده نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌های ساختاری و فرهنگی، وکلا می‌توانند نقش مؤثری در کاهش جرم ایفا کنند. وکلا نه‌تنها در دفاع از متهمان بلکه در اقدامات پیشگیرانه و اجتماعی نیز می‌توانند تأثیر زیادی داشته باشند. در ایالات متحده، با ایجاد زیرساخت‌های قانونی و نهادهای حمایتی، وکلا توانسته‌اند در کاهش جرم از طریق مشارکت در

فرآیندهای قضائی و اجرای عدالت ترمیمی نقش مؤثری ایفا کنند. در مقابل، در ایران، با وجود پیشرفت‌های قانونی، هنوز برخی چالش‌ها مانند محدودیت‌های دسترسی به وکیل در مراحل ابتدایی دادرسی وجود دارد که مانع از ایفای نقش کامل وکلا در پیشگیری از جرم می‌شود. برای بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های وکلا در پیشگیری از جرم در ایران، پیشنهاد می‌شود:

۱. تقویت آموزش‌های حقوقی برای وکلا در زمینه پیشگیری از جرم: آگاهی‌بخشی و تخصصی‌سازی وکلا در این زمینه می‌تواند موجب شود که وکلا در مراحل مختلف دادرسی به‌طور مؤثرتر از راهکارهای پیشگیرانه بهره بگیرند.
۲. ایجاد کلینیک‌های حقوقی با مشارکت وکلا در جوامع محلی: این کلینیک‌ها می‌توانند نقش مهمی در ارائه مشاوره‌های حقوقی رایگان به اقشار آسیب‌پذیر ایفا کنند و از طریق کاهش جرایم در سطح محلی پیشگیری کنند.
۳. تدوین قوانین و مقررات حمایتی برای مشارکت وکلا در برنامه‌های پیشگیرانه: حمایت قانونی از وکلا در برنامه‌های پیشگیرانه می‌تواند تأثیر به‌سزایی در توسعه عدالت اجتماعی داشته باشد.
۴. تشویق وکلا به مشارکت در برنامه‌های عدالت ترمیمی و حمایت از بزه‌دیدگان: این اقدامات می‌توانند منجر به کاهش میزان جرم و همچنین بازسازی روابط آسیب‌دیده در جامعه شوند.
۵. حمایت از فعالیت‌های وکلا در نقد و اصلاح سیاست‌های کیفری: وکلا با نقد سیاست‌های موجود و پیشنهاد اصلاحات قانونی می‌توانند در ایجاد تغییرات اساسی در سیستم قضائی و پیشگیری از جرم مؤثر باشند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The role and position of attorneys in crime prevention have become a central concern in contemporary criminal justice systems, particularly in comparative analyses between jurisdictions such as Iran and the United States. Crime prevention strategies increasingly recognize that legal professionals, especially defense attorneys, influence not only courtroom advocacy but also broader preventive interventions in social, situational, and criminal domains. In the U.S., landmark rulings such as *Gideon v. Wainwright* (1963) institutionalized the right to counsel for indigent defendants, ensuring that equal access to defense is a pillar of due process ([Gideon v, 1963](#)). This contrasts with Iran, where constitutional guarantees under Article 35 are tempered by procedural limitations such as the Note to Article 48 of the Code of Criminal Procedure, restricting attorney access in certain security-related cases ([Ardebili, 2023](#)). The divergence reflects deeper structural and policy differences: while the U.S. embeds the principle of “equality of arms” into criminal proceedings, Iran’s evolving legal framework still grapples with balancing state security considerations and defendant rights. Against this backdrop, the study underscores the necessity of strengthening institutional protections for the legal profession, thereby expanding attorneys’ preventive potential in both direct and indirect crime-reduction efforts.

Professional independence is another axis of comparison, as the ability of attorneys to operate free from political or judicial interference is critical to their preventive role. In the United States, professional bodies like the American Bar Association (ABA) maintain a non-governmental status, controlling licensing, ethics oversight, and continuing education independently from the state ([American Bar Association, 2017](#)). This structure allows attorneys to challenge institutional misconduct without fear of reprisal, reinforcing public trust in the legal system ([Rezai, 2019](#)). Conversely, in Iran, while the Bar Association enjoys statutory independence under the Law on the Quality of Obtaining the Attorney's License, government involvement in licensing and disciplinary committees can undermine impartiality ([Samiei, 2018](#)). Legislative initiatives such as the proposed Comprehensive Attorneyship Bill have raised concerns about eroding the profession's autonomy, potentially weakening its crime-preventive capacity. The comparative evidence demonstrates that where professional independence is robust, attorneys are more effective in shaping fair trial outcomes, monitoring investigative conduct, and advocating for systemic reforms—all of which can reduce criminogenic factors.

In the realm of social crime prevention, attorneys contribute as educators, public communicators, and legal service providers, focusing on addressing socio-economic and cultural conditions that generate criminal behavior. In the United States, lawyers engage in pro bono legal clinics, school outreach programs, and community workshops aimed at improving legal literacy ([Badi, 2023](#)). The ABA supports these initiatives as part of a "soft prevention" approach that instills law-abiding norms from an early age ([American Bar Association, 2017](#)). Iran possesses similar latent capacity, especially through university legal clinics and media engagement by practitioners, yet lacks systemic funding and institutional coordination to scale such interventions ([Samiei, 2018](#)). By building structured partnerships between bar associations, educational institutions, and civil society organizations, legal professionals can more systematically integrate crime prevention into community development strategies. These preventive roles operate upstream, reducing the need for coercive state intervention and fostering resilience against crime at the societal level.

Situational crime prevention, which seeks to limit criminal opportunities by altering environments and administrative processes, presents another domain where attorneys exert substantial influence. In corporate and public sector contexts, lawyers design contracts and compliance programs that close off avenues for fraud, embezzlement, and other forms of economic crime ([Cohen, 2016](#)). In the United States, corporate counsel implement compliance frameworks that combine risk assessment, staff training, and regulatory audits to preempt misconduct ([American Bar Association, 2017](#)). In Iran, although the potential for preventive legal counseling is high, many business disputes that escalate into criminal cases stem from the absence of early legal intervention ([Mo'tamednejad, 2013](#)). Cultural and economic barriers to routine legal consultation reduce the preventive impact of attorneys in commercial crime contexts ([Rezai, 2019](#)). The study highlights that expanding the integration of attorneys into business operations—from contract drafting to ongoing legal risk management—would significantly diminish situational crime risks, especially in rapidly developing economies.

Criminal prevention, in its strict sense, involves leveraging the formal mechanisms of the justice system to deter and manage offending behavior. In the United States, attorneys participate in plea bargaining—a structured negotiation process that reduces caseload pressure while encouraging offender rehabilitation ([Farahidi, 2016](#)). By securing proportionate sentencing and embedding rehabilitative conditions, attorneys can reduce recidivism rates ([Badi, 2023](#)). In Iran, although no formal plea bargaining system exists, defense counsel can engage in informal negotiations with prosecutors and judges to secure reduced penalties, particularly in cases involving first-time or low-

level offenders (Hosseini, 2020). Across both systems, early-stage legal representation in pre-trial proceedings is critical to preventing miscarriages of justice and secondary victimization (Rostami, 2017). Furthermore, in restorative justice programs—where repairing harm and reconciling parties is prioritized—attorneys serve as mediators, ensuring that agreements are equitable and legally enforceable (Mo'tamednejad, 2013). The comparative evidence suggests that incorporating attorneys more deeply into restorative and diversionary frameworks amplifies the preventive capacity of the justice system.

Critical criminology provides a lens to assess how attorneys can challenge the structural and policy frameworks that shape crime definition and criminal justice practices. In the U.S., attorneys use media platforms, civil society networks, and litigation to expose and contest racial, economic, and social disparities in the justice system (Ahmadi, 2021). Such advocacy not only seeks redress for individual clients but also pushes for systemic change that reduces institutional drivers of crime. In Iran, while similar roles are conceivable, political and legal constraints limit the scope of critical engagement by attorneys (Farahidi, 2016). Yet, even within these constraints, lawyers can collaborate with non-governmental and international organizations to advocate for reform in areas disproportionately affecting marginalized groups, including women, minorities, and persons with disabilities (Mo'tamednejad, 2013). The comparative analysis illustrates that attorneys, by combining courtroom defense with policy advocacy, can address both the symptoms and root causes of crime, aligning legal practice with broader social justice objectives.

In conclusion, this study reveals that despite substantial differences in legal infrastructure, professional autonomy, and socio-political environments, attorneys in both Iran and the United States hold significant potential to contribute to crime prevention. They do so through a spectrum of activities—ranging from legal representation and procedural oversight to community education, contractual safeguards, policy critique, and restorative mediation. Realizing this potential in full, particularly in Iran, requires strengthening legal education, enhancing professional independence, embedding attorneys in preventive policy frameworks, and fostering collaborative networks between the legal profession, civil society, and governmental institutions. In both jurisdictions, the preventive role of attorneys emerges not as an auxiliary function but as an integral element of a holistic criminal justice strategy, underscoring their dual responsibility to protect individual rights and promote public safety.

References

- Ahmadi, H. (2021). Critical Criminological Analysis and the Role of the Lawyer in Reforming the Criminal Structure. *New Criminal Law Quarterly*, 9(2), 85-103.
- American Bar Association. (2017). Criminal Justice Standards for the Defense Function.
- Ardebili, M. A. (2023). *General Criminal Law* (Vol. Volume 1). Mizan Publishing.
- Badi, P. (2023). *An Introduction to Criminal Law in the United States*. Jungle.
- Cohen, S. (2016). Critical Criminology and Social Control. *Translated by Nasser Alizadeh*, 5(2), 65-81.
- Farahidi, N. (2016). *The Role of the Lawyer in Criminal Proceedings*. Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Samt).
- Gideon v. W. (1963). 372 U.S. 335.
- Hosseini, A. (2020). Social Prevention of Crime and the Role of Lawyers in the Criminal Justice System. *Criminal Policy Quarterly*, 14(1), 23-47.
- Mo'tamednejad, K. (2013). *Communication Law*. Samt.
- Rezai, M. (2019). The Evolution of the Right to Defense in Iranian and United States Law. *Journal of Comparative Legal Research*, 10(3), 101-121.
- Rostami, B. (2017). *Criminal Advocacy and the Role of the Lawyer in Proceedings*. Majd.
- Samiei, A. (2018). The Position of the Lawyer in the Preliminary Investigations. *Quarterly Journal of Criminal Proceedings*, 7(1), 55-73.